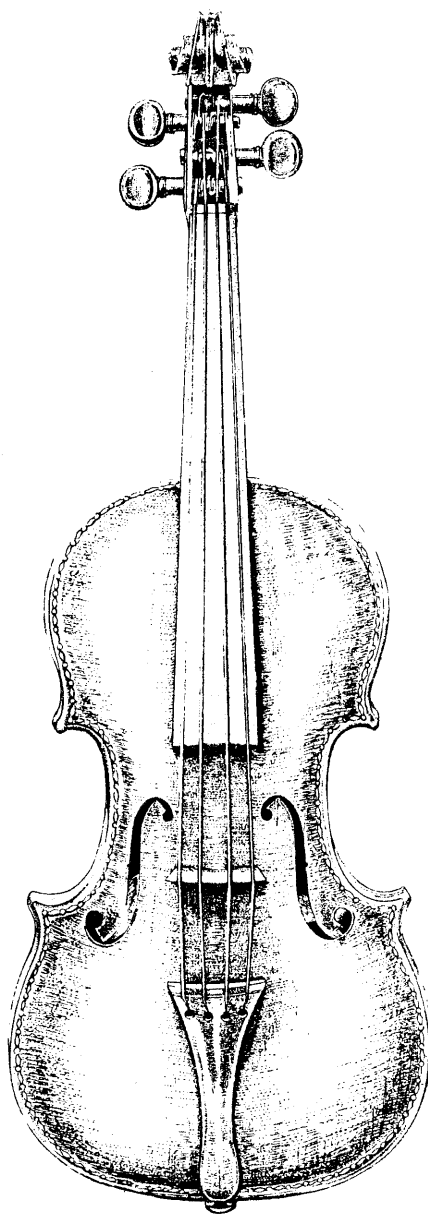
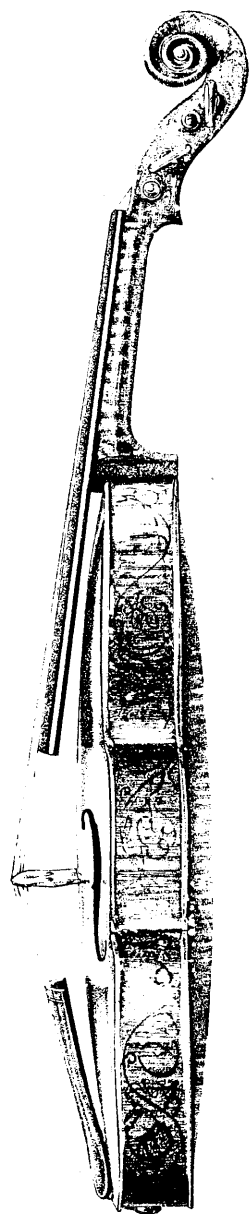




و [V]: از حروف ابجد در نامگذاری نغمه ها بر وتر موسیقی قدیم ایران.

واثقی، اسماعیل [Esmāwil Vāseqi]: نوازنده چیره دست سنتور و استاد تعلیم این ساز در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۵ خورشیدی. اسماعیل واثقی سالها در هنرستان عالی موسیقی تهران به تدریس سنتور و آواز جمعی و ارکستر اشتغال داشت. اسماعیل واثقی برادر هنرمند گرانقدر، حسین واثقی است.

واثقی، حسین [Hoseyn Vāseqi]: آهنگساز و ترانه سرای مشهور معاصر در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در بخش ۴ تبریز بدنیا آمد. او در سال ۱۳۳۲ به تهران آمد و چون دارای صدای خوبی بود، خوانندگی را آغاز نمود. او بمدت سه سال در تاتر شهرزاد لاله زار به این حرفه اشتغال داشت. روزی او در مسابقه غزل خوانی برنامه کارگران شرکت کرد و نفر اول شد. او بمدت دو سال در این برنامه، همراه با مسعود نمازیان، استاد، بیژن مرتضوی، همکاری کرد. بعدها، او با علی سلیمی و صفرعلی جاوید در ارکستر آذربایجانی رادیو به خواندن پرداخت.

او اولین آهنگ خود را که «برو درو واکن» نام داشت برای ایرج ساخت. شعر این ترانه از رضا شمس بود. او ۴۵ آهنگ برای ایرج ساخت. آهنگهایی که حسین واثقی میساخت، برادرش، اسماعیل و علی درخشان و هادی آرم نت نویسی و تنظیم میکردند. اولین آهنگی که برای فیلم ساخت، فیلم کولی و آخرین آن فیلم خشم عقابها بود. حسین واثقی جمعاً برای ۸۰ فیلم فارسی موزیک متن ساخته است. حسین واثقی در حال حاضر سخت بیمار و در آمریکا بسر میبرد.

واثقی، شیلا [Šilā Vāseqi]: دختر هنرمند گرانقدر حسین واثقی است که در کودکی آلبومی بنام: خانم کوچولو از او ضبط و پخش شد. در حال حاضر از شیلا واثقی هیچگونه فعالیت هنری مشاهده نمی شود.

واچه [Vāce]: خواننده ارمنی ساکن لس آنجلس که در کنار حرفه خوانندگی، به آهنگسازی و تنظیم آهنگ نیز اشتغال دارد.

واحد زمان [Vāhede zamān]: در موسیقی، کوتاه ترین زمان میان دو ضرب که ضرب دیگری بین آن دو جایگزین نشود، واحد زمان گویند.

واخون [Vaxun]: به کشیدن ممتد یکی از نت های اصلی مایه در زیر یک یا چند جمله موسیقی اطلاق می شود. مشابه این وازه در موسیقی غرب پدال است. واخون در لغت به معنی: بازخوانی و دوباره خوانی است.

وادانی، بهنام [Behnām Vādāni]: بهنام ابراهیمی وادانی، فارغ التحصیل هنرستان موسیقی ملی در رشته تار در سال ۱۳۵۶ و لیسانس موسیقی از دانشگاه هنر در سال ۱۳۷۲، در سال ۱۳۳۷ خورشیدی در دماوند بدنیا آمد. او سه تار را نزد استاد داریوش صفوت آموخت و تار نزد استاد حبیب اله صالحی و هوشنگ ظریف.

وارساق [Vársāq]: نام قدیم عاشیق های آذربایجان.

وارسته، منوچهر [Manucehr Vāraste]: از نوازندگان زبردست ویلن در ارکستر علی نقی وزیری.

واروژان [Vāružān]: زنده یاد واروژان آهنگساز و تنظیم کننده آهنگ و رهبر ارکستر پاپ رادیو تلویزیون ملی ایران در پیش از انقلاب است که با اکثر هنرمندان مشهور خصوصاً گوگوش همکاری نزدیکی داشت. نام فامیل این هنرمند بزرگ: هاخاندیان است. او در سال ۱۳۱۵ خورشیدی در قزوین بدنیا آمد. او از فارغ التحصیلان مدرسه عالی موسیقی تهران و آهنگسازی و تنظیم آهنگ از آمریکا در سال ۱۳۴۳ خورشیدی بود.

آغازگر فعالیت او در سینمای ایران به سال ۱۳۵۰ بود که موزیک متن فیلم: رشید را ساخت. در زمینه ساخت موزیک متن فیلم، در کارنامه هنری او، مجموعاً ۲۱ فیلم از آن جمله: دشنه، سرگروه بان، صبح روز چهارم، خروس، ممل آمریکائی، همسفر، بت، شام آخر و نازنین وجود دارد. زنده یاد واروژان در سال ۱۳۵۶ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

واریاسیون [Vāriāsyon]: یا Variation عبارت از تغییر شکل یک تم به نحوی که اصل آن قابل تشخیص باشد، میباشد.

واسونک شیرازی [Vārsunke Širāzi]: ترانه هائی که در مجالس عروسی، بیشتر توسط بانوان اجرا می شود.

واصب قندهاری [Vāseb Qandehāri]: از خوانندگان مشهور اصفهان در عهد شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۶ - ۱۰۷۷ هجری) بوده است.

واصفی هروی [Vāsefi Heravi]: از شعرا و موسیقیدانهای اواخر عصر تیموری و اوایل دوره صفویه است. او در هرات بدنیا آمد و در همان شهر تحصیل کرد و سپس به دربار هرات راه یافت.

واعظ قزوینی [Vāwez Qazvini]: میرزا رفیع الدین فتح‌اله قزوینی معروف به میرزا رفیعا و متخلص به واعظ از شاعران سده یازده هجری است که در عهد شاه عباس بزرگ، شاه صفی، شاه عباس ثانی و شاه سلیمان میزیست. سال وفات این شاعر ۱۰۸۹ هجری بوده است. دیوان او شامل قصیده، غزل، رباعی و مثنوی است.

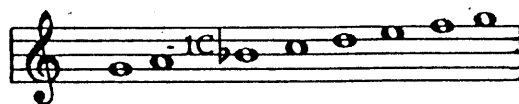
واعظی، سید محمود [Seyyed Mahmud Vāwezi]: از خوانندگان و روضه خوان های عهد قاجار است.

واگردان [Vāgardān]: بند یا قسمت ترجیع در تصنیف و ترانه که توسط تصنیف سازان و خوانندگان بیان می شود. واگردان، پس از هر بندی تکرار میشود، این تکرار میتواند بوسیله خواننده باشد یا اعضای ارکستر.

واگوی [Vāguwi]: بازگوئی بیتی یا مصراعی که دسته‌ای از خوانندگان خوانده اند، توسط دسته دیگر.

والا، لعبت [Lowbat Vālā]: از ترانه سرایان مشهور معاصر که در رده ترانه سرایان دوره دوم تقسیم بندی شده است. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر به ترانه سرایان دوره دوم نگاه کنید. از سروده های زیبای این شاعره و ترانه سرا میتوان به ترانه «خدایا» با صدای عماد رام و خانم پریوش در سال ۱۳۵۰ خورشیدی اشاره داشت.

وامق [Vāmeq]: نام لحنی در موسیقی قدیم ایران است. کنایه از عاشق عذرا و هم چنین، یکی از ۳۲ دستگاه موسیقی است که در ادوار صفی الدین ارموی به آن اشاره شده است.



A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (القای) نوین برای درست خواندن

وتر [Vatar]: به سیم ساز میگویند.

وتر اعلی [Vatar awlá]: یکی از ۵ سیم ساز عود است.

وتر حاد [Vatare Hádd]: سیم پنجم عود را وتر حاد گویند.

وتر زیر [Vatare Zir]: نام یکی از سیم های ساز عود.

وتر مثلث [Vatare Mosallas]: نام یکی از سیم های ساز عود که از وتر اعلی بم تراست.

وتر مثنی [Vatare Mosanná]: نام یکی از سیم های ساز عود که از وتر مثلث زیرتر است.

وثوق [Vosuq]: از خوانندگان پیش از انقلاب که اجرای ترانه های: گریه و شقایق از او موجود است. وثوق همدوره زنده یاد مازیار، ابی و داریوش بود.

وثوق حضور، غلامحسین [Golám Hooseyn Vosuq Hzur]: از روسای موزیک ارتش و از پرورش یافتگان شعبه موزیک دارالفنون در زمان قاجاریه.

وحدت، عبدالرزاق [Abdolrazzáq Vahdat]: در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در مشهد بدنیا آمد. تحصیلات ابتدائی را در دبستانهای شرق، ادیب و آذربایجان به پایان رساند. از ۹ سالگی همراه پدر به خانه آقا شجریان (پدر محمدرضا شجریان) میرفت و علم تجوید را آموخت. او در سال ۱۳۴۰ به تهران آمد و ردیف های موسیقی را از استاد عبدالوهاب شهیدی، اکبر گلپایگانی، میلاد کیانی و زنده یاد حبیب الله بدیعی فراگرفت. عبدالرزاق وحدت از صدای خوبی برخوردار است.

وحدتی، ماشاله [Mášallah Vahdati]: ماشاله وحدتی در سال ۱۳۳۷ خورشیدی در بروجرد بدنیا آمد. برادران او که با موسیقی آشنا بودند او را تشویق کردند و او از ۷ سالگی نواختن تنبک را آغاز نمود. در سال ۱۳۶۳ به تهران آمد و زیر نظر پرویز منصوری در آموزشگاه چنگ به فراگیری و نواختن تار پرداخت.

Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاله (Zále) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vokdan) I,i ایران (Iran) وات های (القای) نوین برای درست خواندن

استاد بعدی او در تار، ارشد طهماسبی بود. ماشاله وحدتی در سال ۱۳۶۷ برای فراگیری شیوه های مختلف تار و سه تار به کلاس زیداله طلوعی رفت و از محضر هوشنگ ظریف هم بهره ها برد. ماشاله وحدتی در حال حاضر در بروجرد به تدریس تار، سه تار و تنبک اشتغال دارد.

وحشتی جوشقانی [Vahsi Jušqāni]: مولانا وحشتی جوشقانی از شاعران معروف سده دهم هجری است. او از شاگردان محتشم کاشانی بود. سال وفات او ۱۰۱۲ و محل وفات او دکن هندوستان است. دیوان این شاعر به شماره Add 7797 در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری میشود.

وحشی بافقی [Vahsi Bāfqī]: مولانا شمس الدین محمد وحشی بافقی از شاعران چیره دست ایران در سده دهم هجریست. دوران حیات او مصادف با پادشاهی شاه تهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ هجری) است. او در بافق کرمان بدنیا آمد. وحشی بافقی در سال ۹۹۱ هجری چشم از جهان فرو بست. گور وحشی بافقی در یزد در کشاکش زمان محو شد و سنگ قبرش از جایی به جایی برده شد. در سال ۱۳۲۸ خورشیدی امیرحسین خان بختیاری سنگ قبر و بنای یادبود او را در ساختمان تلگراف خانه یزد بنا نهاد. اما در جریان تغییر رژیم در سال ۱۳۵۷. بنای یادبود وحشی را ویران کردند و سنگ مزار وحشی را کنار خیابان گذاشتند. وحشی بافقی دو مثنوی با استقبال از خسرو و شیرین نظامی دارد، یکی بنام ناظر و منظور و دیگری بنام فرهاد و شیرین.

وحید [Vahid]: خواننده جوان ساکن لس آنجلس که از او فعالیت چندانی مشاهده نمی شود.

وحید دستگردی [Vahid Dastgerdi]: شاعر و ترانه سرای مشهور قدیمی و همدوره با ملک الشعرای بهار و دکتر حسین گل گلاب، پژمان بختیاری و مؤید ثابتی. زنده یاد وحید دستگردی به نظامی گنجوی و اشعار او ارادت بسیار داشت. او سالها مدیر مجله وزین ارمغان بود. قمرالملوک وزیری اشعار سروده شده توسط وحید دستگردی را اجرا کرده است که متأسفانه صفحه ای از آن باقی نمانده است.

وحید قزوینی [Vahid Qazvini]: عمادالدوله میرزا طاهر قزوینی متخلص به وحید از شاعران مشهور دوره صفویه است که در شمار دفتر نویسان دیوان درآمد، و به مقام وزارت رسید. سال وفات او ۱۱۱۰ هجری است. اشعار او بالغ بر ۵۰ هزار بیت است. مهمترین اثر او به نثر عباس نامه است.

وردنس [Vardans]: نغمه‌ای در عهد ساسانی که بیشتر شبیه به پیش درآمد های امروزی است.

ورزشکاران، مارش [Márše Varzeškārān]: اثری از ارکستر مدرسه عالی موسیقی که توسط کمپانی صفحه پُرکنی آلمانی در دوره اوّل ضبط با برق تولید شده. نام کمپانی؛ پولیفون بوده است.

ورزنده، رضا [Rezā Varzande]: نوازنده مشهور سنتور و از اعضای ارکستر گلهای رادیو ایران. رضا ورزنده در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در کاشان بدنیا آمد. پدرش مرشد ورزنده یکی از استادان بنام موسیقی بود. رضا از ۷ سالگی آموختن موسیقی را آغاز نمود و در ده سالگی قادر بود که تمامی دستگاه های موسیقی ایرانی را با سنتور بنوازد.

رضا ورزنده در سال های اوّل دهه ۱۳۳۰ خورشیدی، توسط حسین قوامی به تهران آمد و همکاری نزدیکی را با او آغاز نمود. سالیان دراز تکنوازی او در رادیو ایران جزو برنامه های ثابت این سازمان بود. رضا ورزنده تنها یک شاگرد بنام رحمت‌اله عنایتی داشت، که شغلی بغیر از موسیقی دارد. رضا ورزنده، نوازنده بزرگ سنتور در سال ۱۳۵۵ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

ورزنده، کلاس موسیقی [Kelāse Musiqiye Varzande]: آموزشگاه تعلیم موسیقی به سرپرستی زنده یاد استاد رضا ورزنده، واقع در خیابان زرین نعل، مقابل اداره برق تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی.

ورزی، ابوالحسن [Abolhasan Varzi]: شاعر و ترانه سرای مشهور معاصر و برادر هنرمند گرانقدر مرتضی ورزی، در سال ۱۲۹۳ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. دوران تحصیل او تا کلاس پنجم ابتدائی در دبستانهای شرف مظفری و ادب بود ولی سال ششم دبستان را در گرگان و دوره اول دبیرستان را در ساری و دوره دوم دبیرستان را در دارالفنون تهران به پایان رسانید. او در سال ۱۳۱۵ از دانشکده حقوق دانشگاه تهران لیسانس در رشته قضائی دریافت کرد.

از این شاعر جُنگ غزلیاتی بنام «سخن عشق» وجود دارد. ابوالحسن ورزی در خانواده‌ای بزرگ شد که پدرش با بزرگانی چون درویش خان، جناب دماوندی و قربان خان دوستی داشت و بیشتر شبها در خانه آنها بساط موسیقی به راه بود. از شاعران معروفی که به خانه ورزی آمد و رفت داشتند. شهریار، امیر فیروز کوهی، رهی معیری، علی اشتری را میتوان نام برد. از زیباترین سروده های ابوالحسن ورزی میتوان به: آمد اما در نگاهش آن نوازش ها نبود. با آواز بنان و تصنیف الهه در مایه اصفهان اشاره داشت. این ترانه در سال ۱۳۳۸ خورشیدی از رادیو با صدای بنان پخش شد. ابوالحسن ورزی در سال ۱۳۳۸ رسماً به رادیو

آ،ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وودان (Vokdan) V,v O,o وودان (Vokdan) C,c U,u جوب (Cub) Z,z زاله (Zale)

ایران رفت.

ورزی، مرتضی [Morteza Varzi]: هنرمند گرانقدر مرتضی ورزی، برادر کوچک ابوالحسن ورزی است که اولین استاد موسیقی او مرتضی خان نی داود بود. مرتضی ورزی در مکتب نی داود چنان پیشرفت می‌کند که او را در آخرین کنسرت قمر در سال ۱۳۱۶ خورشیدی شرکت می‌دهند. مرتضی ورزی در این کنسرت با دو چهره هنری آشنا میشود؛ حسین تهرانی و هایگ استاد کمانچه. در سال ۱۳۱۷ به سبب مأموریت پدرش به شیراز میرود و بعلت نداشتن استاد راهنما، از صفحات ابوالحسن صبا استفاده می‌کند. مرتضی ورزی دارای صدای خوبی بود و پدرش از او می‌خواست که صفحه شور پروانه را بخواند. او بعدها دنباله رو ادیب خوانساری شد. مرتضی ورزی، در سال ۱۳۴۹ خورشیدی با استاد بهاری آشنا شده و کمانچه را از او می‌آموزد. مرتضی ورزی در حال حاضر در لس آنجلس زندگی می‌کند.

وزن [Vazn]: ریتم، ضرب، نظم و تناسب بین کشش نت‌ها را گویند. وزن عبارت از توالی ضربات آهنگ است.

وزن آزاد [Vazme Azad]: از وزنهای شعر معاصر بعد از نیمایوشیج.

وزن پوشیده [Vazne Pušide]: وزنی که ناخودآگاه و بدون قصد قبلی در انتخاب آن، در اثر یک شاعر نهان باشد.

وزن ترکیبی [Vazne Tarkibi]: از وزنهای موسیقی که حاصل از وزنهای ساده میباشد.

وزن خوانی [Vazn-xāni]: خواندن وزن قطعات موسیقی بدون همراهی آهنگ، توسط عمل ضرب زدن.

وزن ساده [Vazne Sāde]: وزنی که به سادگی شناخته شود، نظیر؛ دو ضربی، سه ضربی، چهار ضربی و...

وزن سبک [Vazne Sabok]: وزن نشاط آور و تحریک انگیز. نظیر وزن شش هشتم.

آ,ا A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

وزن سنگین [Vazne Sangin]: وزنی با فواصل دور دارای وقار و متانت. نظیر: وزن شش چهارم که در هر میزانش شش سیاه به اجرا در می‌آید.

وزن شکسته [Vazne Šekaste]: به دو وزن پنج و هفت ضربی متشکل از پنج سیاه و هفت سیاه، اولی مرکب از دو ضرب و سه ضرب ($\frac{5}{4}$) و دومی مرکب از چهار ضرب و سه ضرب ($\frac{7}{4}$) گفته می‌شود.

وزن شناسی [Vazm Šenāsi]: شناختن وزن در موسیقی را گویند. وزن پایه علمی در هنر موسیقی است.

وزن کمی [Vazn Kami]: مانند شعر فارسی که در امتداد زمانی هجاها و تعداد آنها مورد نظر است.

وزیری تبار، حسین علی [Hoseyn-Ali Vaziri-tabār]: نوازنده چیره دست قره نی و از همکاران نزدیک قمرالملوک وزیری، مرتضی نی داود و کلنل وزیری. حسین علی وزیری تبار فرزند مبصر همایون در ۱۲۸۵ خورشیدی بدنیا آمد. او موفق به دریافت مدال درجه اول علمی از طرف وزارت فرهنگ و مدال درجه سه علمی از طرف اداره کل موسیقی کشور گردید. او از موفق ترین نوازندگان قدیمی قره نی بشمار میرود. حسین علی وزیری تبار، آموزش موسیقی را در مدرسه موزیک نظام و زیر نظر سرهنگ نصراله خان مین باشیان آغاز کرد و وارد دسته موزیک نظام شد. او سالها در مدارس عراق به آموزش موسیقی ایرانی برای کودکان ایرانی مشغول بود. زنده یاد وزیری تبار در سال ۱۳۳۷ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

وزیری تبار، گیتی [Giti Vaziri-tabār]: از فارغ التحصیلان رشته کارشناس موسیقی ملی از هنرکده موسیقی ملی در خرداد ۱۳۵۷، دوره سوم. گیتی وزیری تبار، دختر هنرمند گرانقدر حسین علی وزیری تبار است که از فارغ التحصیلان هنرستان موسیقی ملی ایران است. ساز تخصصی ایشان ویلن و کمانچه است. این بانوی هنرمند همسر هنرمند گرانقدر محمد ظریف است.

وزیری سورنای [Vaziri Surnáy]: از آلات بادی موسیقی در رده سورنای منسوب به وزیر. در قدیم نامگذاری سازها با انتساب هائی همراه بود نظیر آصفی سورنای منسوب به آصف و یا وزیری سورنای، منسوب به وزیر.

وزیری، عبدالعلی [Abdol-ali Vaziri]: زنده یاد عبدالعلی وزیری نوازنده چیره دست تار و خواننده مشهور قدیمی و پسر عموی کلنل علی نقی وزیری است که از ۱۲ سالگی در مکتب استاد وزیری به فراگیری آواز و تار پرداخت. او در ارکستر نوین به سرپرستی علی نقی وزیری، آهنگهایی نظیر: سوزمن و چند قطعه دیگر را خواند. او در کلاسهای انجمن موسیقی ملی، تار تدریس می کرد، و از همکاران برنامه گلهای رادیو ایران بود.

زنده یاد عبدالعلی وزیری در سال ۱۲۹۳ خورشیدی بدینا آمد. تحصیلات ابتدائی او در مدرسه شرف بود.

استاد وزیری در سال ۱۳۰۸ کلاسی بنام «آموزشگاه موسیقی» در تهران دایر کرد و در سال ۱۳۰۹ در مدرسه موزیک دولتی، معلم آواز شد.

وزیری در سال ۱۳۱۴ به استخدام بانک سپه درآمد و پس از یکسال کارکردن در بانک ملی هم، به راه آهن دولتی ایران رفت و با بازگشت کلنل وزیری در سال ۱۳۲۰ به مدرسه موزیک، به کار هنری خود بازگشت. استاد وزیری از سال ۱۳۲۵ رسماً کار خود را با سازمان رادیو ایران آغاز نمود. او اولین خواننده برنامه گلهای جاویدان بود. صدای او کوتاه ولی گرم بود. ترانه ماندگار: دیدی که رسوا شد دلم با آهنگی از علی تجویدی و شعر رهی معیری از اجراهای استاد وزیری است که بعدها توسط خانم مرضیه بازخوانی شده است.

استاد عبدالعلی وزیری در سال ۱۳۶۸ خورشیدی در سن ۸۲ سالگی در شمیران چشم از جهان فرو بست. نقش استاد عبدالعلی وزیری در شکوفائی و علاقه به موسیقی در نویسنده دانشنامه، جالب است آنرا بازگو می کنیم:

در سال ۱۳۳۹ خورشیدی، وقتی که من طفل دبستانی بودم، در شمیران، باغ فردوس، کوی سرازیری زندگی می کردم. آن زمان شمیران تمامی کوچه باغ بود و ما در محله ای زندگی می کردیم که بزرگانی در رده های مختلف هنری - سیاسی و صنفی در آنجا زندگی می کردند. همسایه روبروی ما اردشیر شمس ملک آرا، فرماندار شمیران بود، از دیگر همسایه های ما، به غیر از استاد عبدالعلی وزیری که بخشی از خانه آقای اخوی را اجاره کرده بود، دکتر حسن افشار استاد برجسته حقوق بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران بود که در باغی بزرگ همراه با برادران و خواهرش زندگی می کرد. در محله ما، جعفر اخوان، صاحب کمپانی جیب و رامبلر ایران زندگی می کرد و هم چنین بازماندگان دکتر محمد مصدق نخست وزیر ملی گرا و بزرگ ایران. از دیگر کسانی که در محله ما بودند خانواده های: سالور، مکرم، کاشانی، حائری زاده، حمیدیه و متین دفتری را میتوانم نام ببرم که بیشتر آنها از تجار معروف بازار بودند. خانه ما دیوار به دیوار منزل استاد وزیری بود. خانه استاد دارای سه اتاق و ایوان سرتاسری بود که مشرف

آ, a Adam (آدم) S, s Sarkes (سرکش) J, j Jamw (جمع) Q, q Qarq (غرق) X, x Y, y Xayyam (خیام)

Z, z Zale (زاله) C, c Cub (جوب) V, v Voklan (وحدان) I, i Iran (ایران) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

به باغچه زیبایی میشد که وسط آن حوضی با فواره روشن همواره جلب نظر می کرد. بیشتر اوقات غروبها استاد در ایوان می نشست و تار مینواخت. روزهای بسیاری هنرمندانی چون دلکش، الهه، یاسمین به آنجا میآمدند و استاد آنها را تعلیم میداد. روزهای بسیاری من روی دیوارگاه گلی مابین دو خانه می نشستم و آنها را نگاه میکردم.

چند بار استاد وزیری به من گفت: بچه برو پائین می افتی و من که آنوقت ها کلمه استاد را از شهرام و اردوان پسران اردشیر خان شمس ملک آرا که خطاب به دکتر خسرو بسیطی که از دوستان آنها بودند میزدند، یاد گرفته بودم به عبدالعلی خان استاد خطاب میکردم و می گفتم: استاد نمی افتم. اجازه بدهید نگاه کنم، علاقه دارم. حتی یکبار خانم دلکش به استاد گفت: بگذار ببیند، شاید در آینده از خود ما شود. آموزش های استاد وزیری را دریافت می کردم و سپس به بچه های محل از آن جمله:

حسین میرزائی، محمود مرتضوی، عبدالحسین و عبدالرضا اخوی و هرمز بازرگان آموزش میدادم. در آن زمان محمود مرتضوی فلوت بسیار زیبا می نواخت.

اقامت ما در آن محله زیبا تا زمان اخذ دیپلم متوسطه ادامه داشت. البته پیش از آن استاد وزیری از آن خانه به خانه ای در خیابان خلیلی شمیران، پشت بیمارستان اهری نقل مکان کرد، همان جایی که هرمز بازرگان هم رفته بود و ما نیز به دزاشیب خیابان بوعلی رفتیم. در سال ۱۹۹۴ جهت دیداری کوتاه به ایران رفتم و از فرودگاه یکرابست به دیدار محله قدیمی مان رفتم. اما از کوچه باغها خبری نبود، رویش آهن و سیمان همه جا را بلعیده بود. خانه جعفر اخوان را مدرسه کرده بودند. در جای خانه ما آسمان خراش ساخته بودند و نشانی از خانه استاد وزیری هم نبود. هرچه بود آسمان خراش بود و تراکم. باغ افشارها را که یکپارچه بود، قطعه قطعه کرده بودند و نشانی از صفا و صدای تار استاد وزیری نبود. اینک با ذکر خاطرات خوش گذشته و مهر و عشقی که استاد نسبت به موسیقی ایرانی در قلب من کاشته است به پاس نگهداری نام او و هزاران هنرمند دیگر که اکثر آنها در گمنامی دنیا آمدند و در گمنامی مردند، این دانشنامه را تدوین و تقدیم میدارم.

وزیری، علی نقی [Ali-naqi Vazrri]: علی نقی وزیری فرزند موسی در سال ۱۲۶۶ در تهران بدنیا آمد. علی نقی چهار برادر داشت که یکی از آنها یعنی حسن علی در هنر نقاشی به مقام استادی رسید و سه تن دیگر آنها پیشه پدر یعنی خدمت در ارتش را برگزیدند. دایی مادرش مدرس بود و موسیقی را از روی کتاب درة التاج قطب الدین شیرازی درس میداد.

دایی وزیری، دکتر حسین علی خان تار خوش می نواخت و مادر وزیری زن آزادمنش و متجددی بود و جزو اولین زنانی که مدرسه دخترانه دایر کردند، بود.

او ضرب خوب می نواخت و صدای خوش هم داشت. علی نقی وزیری در سن ۱۴ سالگی شیپور بخوبی

میزد و ۱۵ ساله بود که اولین مشق های موسیقی را از دائی خود حسین علی خان فراگرفت. او در ۱۹ سالگی استاد نواختن تار بود. علی نقی وزیری خط موسیقی یانت را از یاور آقاخان صاحب مطب موزیک آموخت، و برای تکمیل آن به اتفاق دوستش میر محمد حجازی که ویلن میزد به نزد کشیشی بنام پرژو فروارفته و آموزش های لازم را دریافت کرد. علی نقی وزیری در ۲۰ سالگی از طرف قزاقخانه مأمور شیراز شد و در مراجعت هنگامی که به اصفهان رسید درست مصادف زمانی بود که محمد علی شاه با مشروطه خواهان در افتاده و مجلس را به توپ بست و دوره استبداد صغیر آغاز شده بود. با پیروزی مشروطه خواهان، علی نقی خان وزیری را رئیس امنیه مازندران، تنکابن و استرآباد کردند. چندی بعد که اشاره به آنها از حوصله دانشنامه مصور موسیقی ایران خارج است، علی نقی خان از خدمت نظام کناره گرفته و سه سال تنها به کار ساز و موسیقی پرداخت. او با قبول کار دولتی مجدد از راه روسیه و ترکیه به اروپا رفت. مدت مسافرت او از ایران تا فرانسه ۶۳ روز طول کشید. او سه سال در فرانسه و ۲ سال در آلمان به تکمیل هنر موسیقی پرداخت و سپس به ایران آمده و مدرسه موسیقی و کلوپ موزیکال را دائر کرد.

استاد وزیری، ردیف های موسیقی را نزد میرزا عبدالله فراگرفت و در حضور میرزا عبدالله بمدت یکسال و نیم کلید هفت دستگاه موسیقی ایرانی را نت نویسی کرد. متأسفانه زمانی که او به اروپا رفت، بر اثر بی مبالائی قسمت اعظم ردیف های نوشته شده از بین رفت و تنها چهار جزوه از آن باقی مانده که در کتابخانه هنرستان موسیقی ملی نگهداری میشود.

استاد وزیری، تار خوش می نواخت و او واژه های؛ گُرن و سُری را که بین ربع پرده های موسیقی سنتی است، ابداع نمود. گُرن را با علامت **♩** و سُری را با علامت **♯** مشخص کرد. وزیری برای اولین بار در نوشتن ردیف خود از ردیف آواز هم استفاده کرد. او اولین پایه گذار موسیقی نوین ایران پس از انقلاب مشروطه است.

استاد وزیری راجع به دستگاه های موسیقی سنتی تحقیقات گسترده ای انجام داد و گام های هریک از دستگاه ها را بنا به نظریه خود استخراج کرد و در کتاب موسیقی نظری مشروحاً شرح داد. تأثیر عظیمی که این هنرمند بزرگ بر موسیقی ایران گذارده نمی توان به آسانی مورد ارزیابی قرار داد.

در زمینه ساخت موزیک متن فیلم توسط این هنرمند، میتوان به فیلم: لیلی و مجنون ساخته عبدالحسین سپنتا در سال ۱۳۱۶ خورشیدی با شرکت خود او و فخرالزمان جبار وزیری اشاره داشت.

بنا به اعتقاد تمامی موسیقیدانهای امروز ایران، استاد علی نقی وزیری، پدر موسیقی نوین ایران است. از شاگردان او میتوان به: استاد ابوالحسن صبا، استاد روح اله خالقی، استاد موسی معروفی، استاد جواد معروفی، استاد حسین علی ملاح و استاد فروتن راد اشاره داشت. او در ساختن و پرداختن مارش های ملی - میهنی زحمات فراوانی کشید و قطعاتی چون: خاک ایران، ای وطن و مارش ظفر را ساخت. در زیر به آثار ارزشمند استاد وزیری اشاره می شود:

آ,ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

به سوی تخت، مارش ظفر، مارش ایران، مارش اصفهان، بندباز، دخترک ژولیده، حاضر باش، ژیمناستیک موزیکال، دزدی بوسه، رقص دختر من و یک سنفونی بنام: سنفونی شوم و آخرین اثر ایشان سنفونی نفت. سرود پاینده ایران، سرود مهر ایران و آهنگ ترانه هائی چون: خریدار تو، شکایت نی، نیمه شب و اپرت دائی کچل، اپرت گل سرخ و اپرت شوهر بدگمان. استاد علی نقی وزیری در سال ۱۳۵۸ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

وزیری، قمرالملوک [Qamar-ol-mluk Vaziri]: قمرالملوک وزیری در سال ۱۲۸۲ خورشیدی بدنیا آمد. در ۱/۵ سالگی مادرش بر اثر ابتلاء به حصه درگذشت و نگهداری او بعهده مادر بزرگش ملا خیرالنساء افتخارلذاکرین که از روضه خوانان زنانه حرم ناصرالدین شاه بود، واگذار شد. قمر تا ۷ سالگی به اتفاق مادر بزرگش به مجالس روضه میرفت. با سفر ملا خیرالنساء به کربلا، نگهداری قمر را خاله اش که همسر شاهزاده عبدالعظیم کاشفی بود قبول کرد. دختر خاله قمر، بعدها زن مجدالصنایع شد و هنرمندانی چون درویش خان، رکن الدین مختاری، حاجی خان عین الدوله و شاهزاده حسام السلطنه با او دوستی و رفت و آمد داشتند و بدین ترتیب قمر با موسیقی آشنا شد. در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در یک مجلس عروسی از قمر خواستند که آواز بخواند و او تصنیف: بیا مرغ حق، امشب فغان نمائیم، را خواند. صدای قمر مورد توجه مرتضی خان نی داود قرار گرفت. قمر در آن موقع ۱۷ سال داشت و تازه از قزوین به تهران آمده بود. قمر بنا به دعوت مرتضی نی داود به مدرسه موسیقی او، واقع در خیابان علاءالدوله (فردوسی)، کوچه بختیاری ها رفت و طی دو سال ردیف و دستگاه های موسیقی ایرانی را فرا گرفت. اولین کنسرت او در گراند هتل لاله زار بود. قمر در سال ۱۳۱۰ خورشیدی جهت کنسرت به همدان رفت و با عارف قزوینی از نزدیک آشنا شد.

از اجرای های زیبای قمرالملوک وزیری میتوان به: مرغ سحر با آهنگی از مرتضی نی داود و شعر ملک الشعراء بهار. امان از این دل که داد، و هزار دستان به چمن با آهنگ و شعر از محمد علی امیر جاهد. موسم گل با آهنگ موسی معروفی و شعر وحید دستگردی اشاره داشت.

در سال ۱۳۰۶ خورشیدی، قمر به دلیل شهرت و موفقیت هائی که استاد علی نقی وزیری بواسطه ابداع آثاری نو در موسیقی ایرانی و تکنیک نوازندگی تار بدست آورده بود، اسم فامیل وزیری را برای خود انتخاب می کند و برای اینکه مورد اعتراض استاد قرار نگیرد بدیدار او رفته و به کلنل میگوید: من به حرمت نام شما و علاقه ای که به هنرتان دارم، اسم فامیل وزیری را برای خودم انتخاب کرده ام، آیا شما مرا سرزنش می کنید؟ استاد علی نقی وزیری پاسخ میدهند:

نه تنها شما را سرزنش نمی کنم، بلکه مایه خوشحالی و افتخار خانواده من است که هنرمندی مثل شما، یکی از اعضای آن باشد.

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

قمر پس از آنکه مادر بزرگ خود را از دست داد به کسی نیاز داشت که حامی و پشتیبان او باشد. بحرینی مردی بود صاحب مکنّت و هنر دوست که خدمات بزرگی به قمر کرد.

در آن سالها، نماینده کمپانی پولیفون آلمان برای تهیه صفحه گرامافون به تهران آمده بود و پس از مذاکره با امیر جاهد، قرار شد که چند صفحه از صدای قمر تهیه کند. برای اولین بار قمر ترانه و سرودهای: تاجوانان ایران به جان و دل نکوشند، ای نوع بشر تا کی به ابنای بشر، در ملک ایران، این مهد شیران، هزارستان به چمن، بهار است و هنگام گشت و در بهار امید را روی صفحه ضبط نمود. قمر از نخستین روز تأسیس رادیو (۱۳۱۹) با این سازمان همکاری داشت. او ابتداء تصنیف می خواند ولی بعدها صرفاً آواز می خواند. قمر پس از سبکته چون اختیار حنجره خود را نداشت، از موسیقی کناره گرفت و زمانیکه از رادیو رفت حقوق او را قطع کردند. در خواندن گوشه های حجاز، عشاق و یا عراق اوج صدایش بخوبی مشخص بود. وسعت صدایش از نت دو (زیر خط حامل با کلید سل) تا حداکثر نت ر (روی خط چهارم) بود. قسمت درخشان صدایش در تقسیم صدای زنان در موسیقی ایرانی، چپ کوک بود. او به تار علاقمند بود و آنرا مینواخت. از قمر حدود ۲۰۰ صفحه باقی مانده است.

قمر سمبل انسانیت بود، او زنی با سخاوت و فروتن بود که تمامی درآمد خود را در راه بهبود زندگی بینوایان صرف کرد.

خرید ۷۰ تخت برای پرورشگاه از محل اولین عایدی صفحاتش و صرف درآمد کنسرت هایش به نفع فقرا و سرپرستی چند کودک و فروش خانه اش در خیابان جامی برای کمک، نمونه هائی از سخاوت این هنرمند بزرگ موسیقی ایران است. قمر در روز پنجشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۳۸ در ساعت ۱۱ شب، چشم از جهان فرو بست. قبر او در قبرستان ظهیرالدوله شمیران است.

وزیری، همایون [Homāyun Vaziri]: آهنگساز و تنظیم کننده که در اروپا زندگی می کند.

وست ورلد، استودیو [Vestworld Studio]: استودیو ضبط صدا که در لس آنجلس قرار داشته و به ضبط موزیک خوانندگان و نوازندگان ایرانی می پردازد.

وسطای ابن سینا [Vostāye Ebn-sinā]: از پرده های قدیمی موسیقی، وسطایی براساس پرده بندی رباب مابین وسطای قدیم «V_۱» وسطای زلزل «V_۲» با نمای «V_۱» و به نسبت $V_1 = \frac{39}{32} = ۸۵.۹۱$

وسطی [Vostā]: انگشت دوم و پرده دوم براسبابهای معمول موسیقی قدیم (زمان فارابی) که انگشت بر روی پرده همنام خود قرار می گرفته است.

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z واته های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vojdan) O,o وحبان (Cub) V,v جوب (Cub) C,c U,u جوب (Zale) Z,z زاله

وشتن [Vastan]: به رقص سماع و دراویش گفته میشود.

وصال [Vesal]: یکی از ۳۲ دستگاه موسیقی که در ادوار صفی‌الدین ارموی شرح آن رفته است. (دور بیست و ششم).

وصال، علی [Ali Vesal]: خواننده خوش صدا ساکن لس آنجلس که از فعالیت خوبی برخوردار است.

وصال [Vesal]: میرزا شفیع شیرازی، معروف به میرزا کوچک و متخلص به وصال یکی از بزرگترین شعرای عهد فتح علی شاه قاجار است. وصال در زمان کریم خان زند به سال ۱۱۹۲ در شیراز بدنیا آمد. او بعدها به خدمت فتح علی شاه قاجار درآمد. وصال رسالاتی در امر کلام و موسیقی دارد. دیوان او در دو جلد بزرگ چاپ سنگی شده است.

وصفی، محمود [Mahmud Vasfi]: خواننده خوش صدا و مشهور پیش از انقلاب که از او ترانه ماندگار: خدا چرا عاشق شدم قابل ذکر است.

وطن دوست، رشید [Rasid Vatan-dust]: رشید وطن دوست، خواننده خوش صدا آذربایجانی در سال ۱۳۲۱ خورشیدی در تبریز بدنیا آمد. در دوران دبیرستان تحت آموزش استاد علی سلیمی و صفرعلی جاوید قرار گرفت. او در سال ۱۳۴۷ خورشیدی همکاری خود را با رادیو ایران آغاز نمود و سپس به استخدام وزارت فرهنگ و هنر درآمد و در گروه اپرای تهران در تالار رودکی به خواندن پرداخت. ای ایران ای مرز پُرگهر، سروده جاویدان دکتر حسین گل گلاب که توسط استاد بنان، اسفندیار قره باغی، زنده یاد حسین سرشار قبلاً اجرا شده است، توسط رشید وطن دوست نیز خوانده شده است.

وفا [Vafā]: برادر کوچک جمال وفائی که از خوانندگان و بازیگران مطرح سینما در پیش از انقلاب بود. ترانه های ماندگاری چون: پدرها و مادرها و مه گرفته شهر ما را از او باقیمانده است. نام اصلی این هنرمند، عباس وفائی است.

وفادار، جهانگیر [Jhangir Vafadar]: نوازنده ویلن و برادر بزرگ مجید و حمید وفادار است. نخستین صفحه جواد بدیع زاده بنام: جلوه گل در سال ۱۳۰۴ خورشیدی با شعر نوراله همایون همراه با تار استاد عبدالحسین شهنازی و ویلن جهانگیر وفادار بوده است.

وفادار، حمید [Hamid Vafadar]: حمید وفادار نوازنده چیره دست تار و برادر هنرمند گرانقدر مجید وفادار در سال ۱۲۹۳ خورشیدی بدنیا آمد. او با برادرش، ارکستری بنام «ارکستر برادران وفادار» تشکیل داد. اولین خواننده‌ای که با این ارکستر همکاری نمود. خانم فروغ سهامی بود و پس از آن پرخیده و سپس روح بخش و حسین قوامی با این ارکستر همکاری کردند. زنده یاد حمید وفادار پس از ساختن ۵ آهنگ، ارکستر برادران وفادار را ترک گفت و دیگر با هیچ ارکستری همکاری نکرد.

وفادار، مجید [Majid Vafadar]: مجید وفادار در سال ۱۲۹۱ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پدر او میرزا محمد خان از فرهنگیان قدیمی ایران است که دوستی نزدیکی با رضا محجوبی، حبیب سماعی و درویش خان داشت. مجید وفادار اولین بار در مدرسه خود پیانو را دید و سخت به آن علاقمند شد. مجید، مسئله را با پدرش در میان نهاد و با مخالفت شدید او مواجه شد. از اینرو، دست به اعتصاب غذا زد و بیمار شد. مدیر مدرسه به وفادار کوچک قول داد اگر علت ناراحتی اش را بگوید، هرچه دلش بخواهد انجام خواهد داد. مجید وقتی قول را گرفت، گفت عاشق نواختن پیانو است. مدیر مدرسه در نهایت مهربانی او را آزمایش کرد و دید که جثه کوچک و ریز نقش مجید برای نواختن پیانو مساعد نیست. از این رو به او پیشنهاد کرد که ویلن بنوازد. مجید وفادار علیرغم مخالفت های پدرش به کلاس حسین خان اسماعیل زاده رفت. پس از اسماعیل زاده، استاد او رضا محجوبی بود که در لاله زار کلاس تعلیم موسیقی داشت. وفادار در مدت کوتاهی به سمت خلیفه کلاس محجوبی انتخاب شد. کلاس رضا محجوبی در سال ۱۳۰۳ خورشیدی تعطیل شد و وفادار به کلاس استاد علی اکبر شهنازی رفت. مجید وفادار نت خوانی را از استاد ابوالحسن صبا آموخت. از مجید وفادار صفحات کمی در دست می‌باشد. او بیشتر در رادیو به کار اشتغال داشت.

اولین آهنگ او: شب جدائی بود که ابتداء رضاقلی میرزا ظلی، سپس روح بخش و بنان آنرا اجرا کردند. شعر شب جدائی را رهی معیری گفته بود. در اوایل ۱۳۳۰، داریوش رفیعی با یاری مجید وفادار به شهرت رسید. ساخته های مجید وفادار بالغ بر ۳۰۰ آهنگ است. از جمله آهنگهای جاویدان او: گل اومد بهار اومد با صدای زنده یاد پوران، گلنار با صدای داریوش رفیعی و ساقی امشب مرا دیوانه کردی و ترانه ماندگار مرا ببوس با صدای حسن گلنراقی. مجید وفادار پیش از تغییر رژیم در سال ۱۳۵۷ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,i W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdan) وجدان O,o V,v (Cub) جوب C,c (Zale) زاله Z,z

وفائی، جمال [Jamāl Vafāwi]: خواننده مشهور و قدیمی که در دهه ۱۳۴۰ از شهرت و محبوبیت بسیاری برخوردار بود. در آن سالها، آهنگ: خدایا عاشقم کن با شعری از معینی کرمانشاهی و آهنگ منوچهر لشگری که توسط جمال وفائی اجرا شد، شهرت خوبی برای او پیش آورد. جمال وفائی در سال ۱۳۱۹ خورشیدی در خیابان ری، کوچه باغ آصف الدوله بدنیا آمد. پدرش سید محمد علی قاری قرآن بود که برای اولین بار صدایش از رادیو ایران پخش شد.

جمال همراه با پدرش به مجالس روضه میرفت. در هفت سالگی به مدرسه ترقی رفت و با منوچهر نوذری آشنا شد. در مدرسه، جمال وفائی اولین پیش پرده را بنام «بچه شکمو» خواند که مورد توجه قرار گرفت. بعدها جمال وفائی در زمره شاگردان اسماعیل مهرتاش میشود و به مدت ۱۲ سال آموزش می بیند. روزی در کلاس استاد مهرتاش، زنده یاد استاد مهدی برکشلی خواندن جمال را دیده از او می خواهد تا در جشن دانشگاه تهران شرکت کند و جمال همراه با استاد فرامرزی پاپور، حسن کسائی، حسین تهرانی و استاد احمد عبادی و اصغر بهاری برنامه اجرا می کند که از رادیو پخش میشود. جمال وفائی در سال ۱۳۴۵ خورشیدی همکاری خود را با رادیو آغاز و در برنامه گلهای رادیو شرکت می کند. جمال وفائی در حال حاضر در لس آنجلس زندگی می کند.

وفائی، شهرام [Šahrām Vafāwi]: ترانه سرای فعال و از همکاران نزدیک شاهرخ خواننده مشهور در آمریکا.

وفائی، کمال [Kamāl Vafāwi]: خواننده پیش از انقلاب و برادر جمال وفائی است. از او اجرای ترانه «چی میشه» از ساخته های صمدی موجود است.

وفائی مهابادی [Vafāwi Mahābādi]: شاعر مشهور کرد که صاحب دیوان شعر میباشد.

وکیل [Vakil]: موسیقیدان ایرانی ساکن بغداد در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۶ خورشیدی که مدتی هنرمند گرانقدر اکبر محسنی را تعلیم عود میداد.

وکیلی، پرویز [Parviz Vakili]: ترانه سرای مشهور معاصر که مثلث هنری او همراه با ویگن و عطااله خرم باعث شد که پُر بارترین ترانه های جاز ایران در دهه ۱۳۳۰ خوشبختی ساخته و اجرا شود.

از پرویز وکیلی سروده های زیبایی چون: شکوفه، با صدای امین رشیدی: آسمان آبی، نسیم، دختر دریا، بیا، دروگران، بندر، ساقی، رقص شکوفه، بی ستاره ها، دو کبوتر و کجاوه با صدای ویگن، آرزوی محال،

آدم (Adam) A,a A,a سارکس (Sarkes) S,s K,k S,s جم (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam) واکت های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Voddan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

چلچله، اشاره، گناه تو، آرزوی من، تبریک، کنیز، حجله و قالی باف با صدای روان بخش قابل ذکر است.

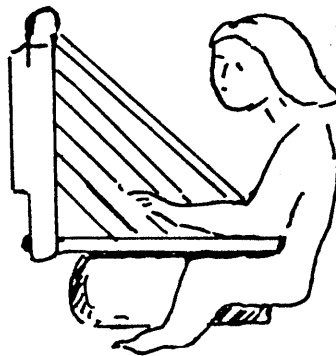
ولت [Volt]: به منظور تفهیم اجرای متفاوت یک یا چند میزان در انتهای یک بخش تکرار شونده در یک قطعه موسیقی، نشانه‌ای بر روی میزان های متفاوت تکرار شونده، قرار میدهند که علامت اول را، ولت اول و دوم را، ولت دوم میگویند.

وَلَوَالِجِ [Valvāleji]: ابو عبدالله محمد بن صالح وَلَوَالِجِ از شاعران مشهور عهد سامانیان است. از این شاعر اشعار نغزی بر جای مانده است.

ولی دشت بیاضی [Vali Dašt Byāzi]: میرزا محمد ولی دشت بیاضی متخلص به ولی از شاعران سده دهم هجری است. او در دشت بیاض قائن بدنیا آمد. در جوانی به قزوین رفت و در آنجا با ضمیری اصفهانی و دیگر شاعران پایتخت معاشرت کرد. او سپس به خراسان بازگشت و برای مدت طولانی ملازم درگاه سلطان ابراهیم میرزای صفوی (سال وفات این پادشاه ۹۸۴ هجری است) بود. این شاعر در تاخت و تاز ازبک ها به خراسان در سال ۱۰۰۱ هجری به فرمان دین محمد خان ازبک کشته شد. دیوان او در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار نگهداری میشود (شماره ۱۱۷۵) این کتاب بالغ بر سه هزار بیت شعر دارد.

ون یا ون کنار [Van Yā Van Kenār]: نوعی چنگ است که جعبه آن در پائین قرار داشته است. جعبه صوتی این چنگ به شکل افقی روی زمین قرار میگرفته و میله چوبی که گوشی های روی آن بوده، به انتهای آن وصل میشده است این چنگ دارای ده سیم بوده است. نام این ساز در یک متن پهلوی مربوط به عصر ساسانی همراه با نام چند ساز دیگر آمده است.

طرح نقش برجسته طاق بستان



ونج [Vanj]: سازی است رشته‌ای مطلق از رده چنگ. این ساز دارای هفت تار بوده و در نواحی

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکنش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vojdān) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

خراسان معمول و رایج بوده است.

ونک کاباره [Kábāre Vanak]: در مجموعه تفریحی سینما و درایوین سینمای ونک، کاباره مجللی قرار داشت که در آن هنرمندان ایرانی و خارجی هنرنمایی می کردند.

ونه [Vanah]: نوعی ساز از خانواده عود است.

وهاب زاده، عاشیق درویش [Āšiq Darviš Vahābzāde]: عاشیق درویش وهاب زاده در سال ۱۳۰۷ خورشیدی بدنیا آمد. از ۱۸ سالگی به جمع عاشیق ها پیوست و ۴۶ سال عاشیقی کرد. نخستین استاد او عاشیق فرهاد بود که ۶ سال او را آموزش داد. او کار عاشیق های رضائیه را به حقیقت نزدیکتر میدانست. او شاگردان بسیاری را تعلیم داد از آن جمله: عاشیق مناف در شاهپور، عاشیق عباس در خوی و عاشیق بهروز در مراغه و عاشیق اسماعیل در رضائیه. زنده یاد عاشیق وهاب زاده در سال ۱۳۷۲ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

وهدانی، رضا [Rezā Vahdāni]: رضا وهدانی نوازنده چیره دست تار در اول فروردین ۱۳۱۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او در ۱۴ سالگی به کلاس هنرپیشگی جامعه بارید تحت نظارت رفیع حالتی رفت و در آنجا با استاد اسماعیل مهرتاش آشنا شد و در کلاس او به آموختن موسیقی پرداخت. او در کلاس جامعه بارید، نت خوانی را از رضا معینی آموخت و بعدها از شاگردان استاد علی اکبر خان شهنازی شد. و پس از مدتی از همکاران استاد گشت. رضا وهدانی در سال ۱۳۵۸ خود را بازنشسته کرد.

ویراتو [Vibrato]: به لرزش صوت و ارتعاش که در سازهای مختلف، متناسب با تکنیک نوازندگی سازها متفاوت است، اطلاق میشود. در آلات زهی این حالت را میتوان با فشار سیم و جلو و عقب بردن انگشت بوجود آورد.

ویرافن [Vibrāfon]: سازی است کوبه‌ای که ساختمان آن از تعدادی لوح یا صفحه که کنارهم کار گذاشته شده و نوازنده با دو کوبه آنها را بصدا در می آورد، تشکیل یافته است.

ویدا [Vidā]: ویدا خواننده‌ای که تنها از او یک ترانه بنام: ای دلبر من در آلبومی بنام گلباران ۲ همراه با خوانندگانی چون: شیفته، هومن، ساندیز و علی صادقی ضبط و پخش شده است.

آ,ā آ,ā ادم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وچدان (Vojdan) O,o V,v چوب (Cub) U,u C,c ژاله (Zāle) Z,z

ویرجینال [Virjinal]: ساز شتی دار (کلاویه ای) که در سده ۱۶ و اوایل سده ۱۷ در انگلستان رایج بود.

ویژگی سنتور، کتاب [Ketābe Vizēgiye Santur]: کتابی در نه بخش که توسط مهدی ستایشگر نویسنده واژه نامه موسیقی ایران زمین در سال ۱۳۶۴ خورشیدی چاپ و انتشار یافت.

ویسب دبیره [Visb Dabire]: در اوج شکوفائی موسیقی ایران در زمان ساسانی. ایرانیان برای آوانویسی الفبائی داشته اند که آنرا ویسب دبیره می نامیده اند. با این الفباء، نه تنها آوازه‌ها، بلکه هر سازی را می توانستند اجرا کنند. با این الفباء آنها قادر بودند که صدای آب، وزش باد و خش خش شاخه ها و صدای حیوانات را نمایش دهند.

ویسپور [Vispur]: کمپانی تکثیر نوارهای موسیقی ایرانی در سال ۱۳۴۹ خورشیدی به مدیریت محمد علیخانی. تولیدات این کمپانی به غیر از ایران، کشورهای همجوار را نیز پوشش میداد. این کمپانی در سال ۱۳۵۲ به علت نامعلوم منحل شد. محل این شرکت در بلوار الیزابت بود. محمد علی خانی در حال حاضر در لس آنجلس زندگی می کند.

ویگن [Vigen]: ویگن در دریا خواننده بزرگ ایران که لقب سلطان جاز ایران را دارد. در سال ۱۳۰۸ خورشیدی در همدان بدنیا آمد. او برادر کارو نویسنده و شاعر مشهور است. کتاب معروف کارو: شکست سکوت نام دارد،

ویگن از سال ۱۳۳۰ خورشیدی خوانندگی را آغاز و چندی پیش جشن پنجاهمین سال خوانندگی او را در لس آنجلس بر پا داشتند. مثلث هنری او با پرویز وکیلی و عطااله خرم باعث شد که معروفترین ترانه های جاز ایران شکل گیرد. ویگن از سال ۱۳۳۴ با بازی در فیلم چهار راه حوادث به سینما نیز روی آورد. از معروفترین فیلم های او میتوان به: خون و شرف (۱۳۳۴)، ظالم بلا (۱۳۳۶)، تپه عشق (۱۳۳۸) آرشین مالالان و چشمه عشاق (۱۳۳۹)، آتش و خاکستر (۱۳۴۰)، عروس دریا (۱۳۴۴) و اعتراف (۱۳۴۵) اشاره داشت.

ویگن در سال ۱۳۳۰ با گیتار از رادیو ایران برنامه اجرا کرد که در آن سال بدعتی نو بود. ویگن ۵۰ سال گذشته همواره محبوب مردم ایران بوده است. این خواننده در کنار حرفه خوانندگی به ترانه سرائی نیز اشتها دارد، او تاکنون نزدیک به ۳۰ ترانه سروده است.

آ,ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

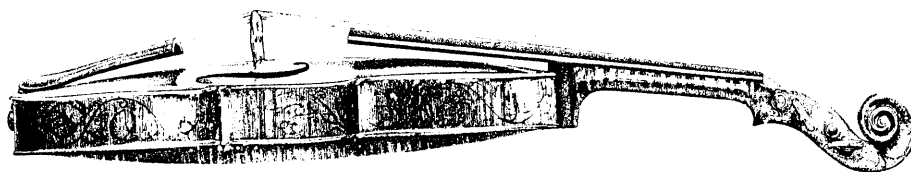
Z,z زاله (Zale) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Voddan) I,i ایران (Iran) ات های (النای) نوین برای درست خواندن

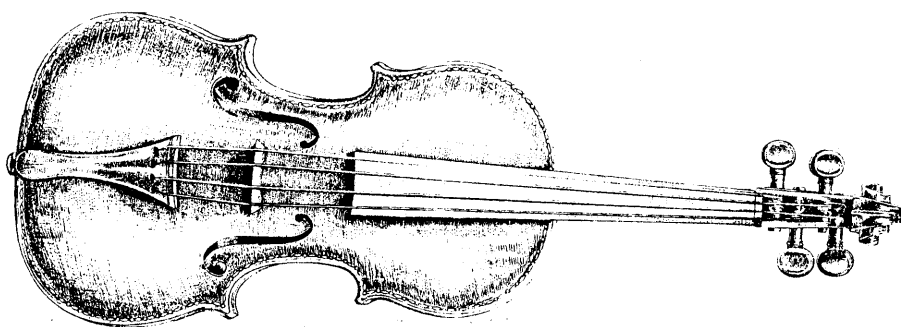
ویل [Vile]: از آلات زهی آرشه‌ای در قرون وسطی که قبل از ویول می‌نواختند.

ویلن [violon]: از جمله سازهای زهی که در دوره ناصرالدین شاه به ایران آمد و تا اندازه‌ای جایگزین کمانچه شد. امروزه از ویلن در موسیقی ایرانی استفاده‌های بسیاری میشود. ویلن سازی است رشته‌ای مقید از رده رباب یا وی یول که با کمانه یا آرشه نواخته میشود. امروزه ویلن بمنزله سلطان سازهای موسیقی شناخته شده است. ویلن دارای چهار رشته سیم است که می (mi)، لا (la)، ر (re) و سل (sol) نام دارد. درازای جعبه طنینی آن متغیر است ولی نوع معمولی آن بین ۵۵ تا ۶۰ سانتی متر طول دارد. معمولاً ویلن از هفتاد قطعه چوب تشکیل میشود. رنگ ویلن، یک نوع ورنی مخصوص است که ترکیب آن نزد هر سازنده، جزو رمز و راز کار آن صنعت گر است. معمولاً این ورنی ترکیبی است از نوعی صمغ تقریباً غلیظ که با الکل و اسانس تربانتین و روغن بزرک مخلوط شده است. نخستین ویلن در سده ۱۶ ساخته شده است و نامدارترین ویلن ساز جهان: آنتونیو استرادی واریوس نام دارد که در سال ۱۶۴۴ میلادی در کرمونا بدنیا آمد و در ۱۲ سالگی به کارگاه ویلن سازی نیکلا آماتی پیوست و از سال ۱۷۰۰ میلادی ویلن‌هایی که اومیساخت در نوع خود شاهکاری محسوب میشد و در سبکی وزن (زیر ۴۰۰ گرم)، ظرافت، حفره‌ها و شکافها و انحناهای ساز و رنگ کاملاً متمایز بود.

این هنرمند در ۱۹ دسامبر ۱۷۳۷ میلادی چشم از جهان فرو بست. با اشاره مقدماتی به آمدن ویلن به ایران در زمان ناصرالدین شاه به نام کمانچه کوچک نام برده شده است. نامیدند، و در آن بکرات در سفرنامه ناصرالدین شاه به نام کمانچه کوچک نام برده شده است. ابتداء محصلان رشته موزیک مدرسه دارالفنون با نواختن ویلن آشنا شدند و آنها نسبت به اشاعه این ساز پرداختند و بتدریج نوازندگان کمانچه، ساز خود را به ویلن تبدیل کردند و تا آنجا پیش رفتند که ویلن میتوانست، موسیقی ایرانی را به بهترین وجه بگوش برساند.

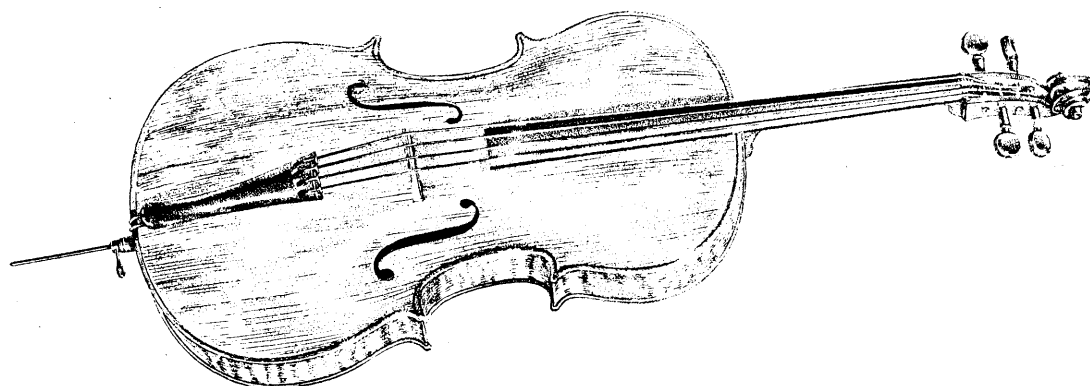
سورن آراکلیان (متولد ۱۲۶۶ خورشیدی)، اهل تبریز، نخستین کسی است که در سال ۱۳۱۵ خورشیدی اولین کارگاه تعمیرات آلات موسیقی را در هنرستان عالی موسیقی ایجاد کرد. او که استاد ویلن سل بود در سال ۱۳۳۱ کتابی به زبان فرانسه راجع به ساختمان ویلن نوشت و کارگاه مستقلی برای ساختن ویلن تأسیس کرد که مجموعاً ۳۶ عدد ویلن از این کارگاه روانه بازار شد.





ویلن آلتو [Violon Alto]: سازی است رشته‌ای مقید از رده ویلن که به آن ویولا یا به اختصار آلتو نیز گفته میشود. زنگ صدای ویلن آلتو در بخش زیر، تودماغی است و در بخش بم، حالت باریتون دارد. طول جعبه طنینی آن ۴۰ تا ۴۳ سانتی متر است. نت نویسی برای این ساز با کلید دو (do) روی خط سوم صورت میگیرد.

ویلن سل [Violon Sel]: سازی است رشته‌ای مقید از رده ویلن که از ویلن خیلی بزرگتر است. سیم های این ساز با فاصله پنجم با یکدیگر کوک میشوند: لا (la)، ر (re)، سل (sol)، دو (do). صدایش نیز یک اکتاو بم تر از ویلن آلتو است. طول جعبه طنینی آن بین ۷۵ تا ۷۶ سانتی متر است. ویلن سل خانمها کمی کوچکتر با طول جعبه طنینی ۷۲ تا ۷۳ سانتی متر می باشد. شکل و ساختمان کلی و نوع چوب این ساز شبیه به ویلن میباشد. ویلن سل پس از ویلن به ایران آمد. ابتداء تنها در ارکستر نواخته میشد ولی بعدها شخصیت مستقلی یافت.



ویلنیست [Violonist]: نوازنده ویلن.

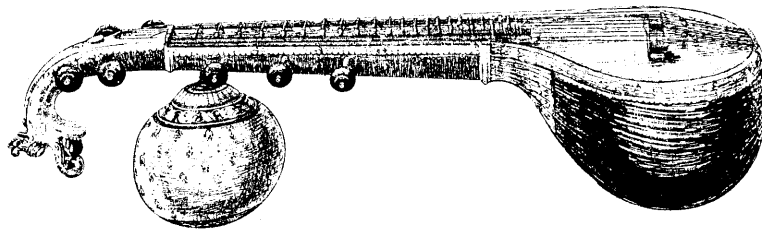
ویله دیلمان [Vileye Deylamán]: نوعی خواندن خاصه اهالی دیلمان.

وینا [Viná]: سازی است رشته‌ای مقید که ساختمان آن بسیار متنوع است. وینای معاصر که به آن بین

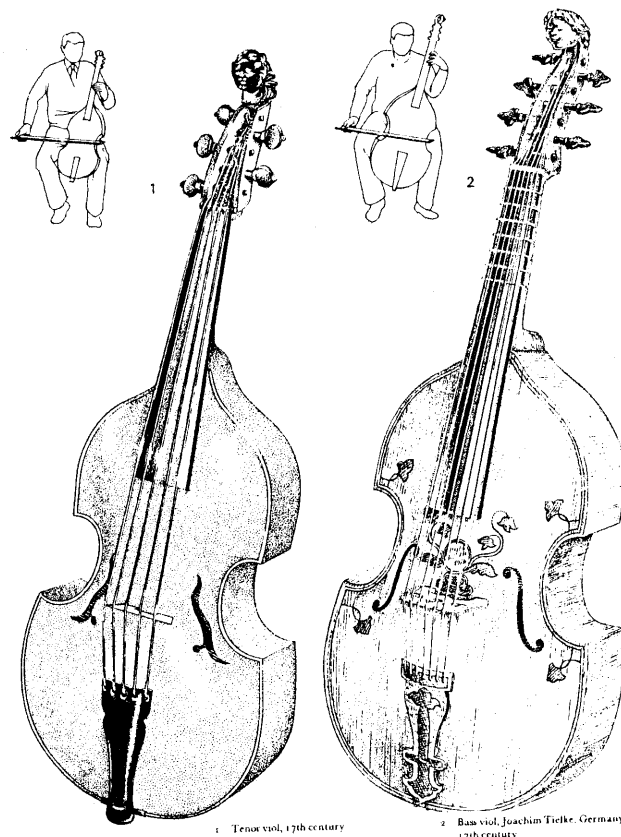
آ،ا Adam (Ádam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

(Bin) هم می گویند، از یک قطعه چوب چماقی شکل از جنس بامبو که روی آن چند رشته سیم کشیده شده است و این سیم ها از روی خرکی از جنس چوب گذاشته اند و در دو طرف بامبو، دو عدد کدو کار گذاشته اند که نقش محفظه طنینی را دارد ساخته شده است. سیم های وینا هفت رشته است.



وی یول [Viol یا وی یل Viol]: سازی است رشته ای مقید از رده ویلن. این ساز از سده ۱۵ تا ۱۸ میلادی رایج بوده است شکل قدیمی آن نظیر گیتار بی زاویه و دارای انحنا بوده است.



آدم (Adam) A,a A,a سرکش (Sarkes) S,s K,k S,s جمع (Jamw) J,j W,w غرق (Qarq) Q,q خیام (Xayyam) X,x Y,y
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdan) V,v و (Vo) O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z